

بُعد زمان در نگاره‌های ایرانی در تطبیق با اسفار کاتبان و سال‌های ابری (ابوتراب خسروی و علی اشرف درویشیان)

چکیده

بُعد زمان در آثار هنری و ادبی بازتاب یافته است. در نگارگری ایرانی نیز بُعد زمان حائز اهمیت به‌سزایی است. زمان در روایت یکی از مباحث مهم است که روایت‌شناسان به آن‌ها توجه کرده‌اند. از این میان، نقش ژرار ژنت، ساختارگرای فرانسوی، در تکوین نظریهٔ زمان‌روایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشبرد روایت داستانی بسیار اهمیت دارد. نظریهٔ زمان ژنت، شامل سه محور نظم، تداوم و بسامد است. تکنیک روایت و چندگانگی نوع ادبی و انعکاس نوع زمان در ساختار اسفار کاتبان و سال‌های ابری، مهم‌ترین امتیاز آن‌ها نسبت به سایر رمان‌هاست. نگارنده در این مقاله، ضمن بررسی تبلور زمان در هر دو رمان، جنبه‌هایی که در فن روایت هر دو اثر نقش داشته‌اند را نیز نشان می‌دهد. این جستار با رویکردی توصیفی-تحلیلی با تکیه بر دیدگاه‌های ساختارگرایی ژرار ژنت، نشان می‌دهد که عنصر زمانی در هر دو رمان، بسامد بیشتری نسبت به سایر رمان‌ها دارد. براساس یافته‌های این پژوهش، هر دو نویسنده پی‌رنگ داستانی‌شان را بر مبنای تغییر زمانی از زمان تقویمی به زمان روایی بنا نهاده‌اند و با شکست زمان کنونی، درصدد تغییر زمان تقویمی به زمان روایی برمی‌آیند. هم‌چنین، فن روایت زمانی رمان‌ها سبب شده که هر دو نویسنده نظام کلاسیک رمان را تغییر دهند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی بُعد زمان در نگارگری ایرانی.
۲. تحلیل تطبیقی زمان در اسفار کاتبان از ابوتراب خسروی و سال‌های ابری از علی اشرف درویشیان.

سوالات پژوهش:

۱. بُعد زمان در نگارگری ایرانی چگونه است؟
۲. زمان در اسفار کاتبان و سال‌های ابری چگونه بازتاب یافته است؟

کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی، ژرار ژنت، علی اشرف درویشیان، ابوتراب خسروی.

مقدمه

در چند دهه‌ای که روایت‌شناسی به‌عنوان علم مطرح شده است. روایت‌شناسان کوشیده‌اند تا با دست‌یافتن به الگوهای روایتی مشخص، به کشف ساختار جهانی آن نائل شوند. از جمله مهم‌ترین این مقوله‌ها مبحث زمان در روایت است که «ژرار ژنت» نظریه مستقلی درباره «عامل زمان و نقش و جایگاه آن در روایت» مطرح کرده است. ژنت در تحلیل روایت قائل به پنج ویژگی است: نظم، تداوم، بسامد، وجه، آوا یا لحن. از این پنج عامل سه عامل نخست مربوط به زمان است. ژنت مسیر گردش داستان را از زمان تقویمی به زمان روایی (متن)، چنین تبیین می‌کند: الف) نظم/ ترتیب زمانی: که روایت براساس زمان آن به سه دسته گذشته‌نگر، آینده‌نگر (مقدم) و لحظه‌به‌لحظه و حضوری تقسیم می‌شود. روایت موقتاً از ترتیب زمانی تقویمی رخدادها عقب می‌افتند: مانند آنچه در فلاش‌بک می‌بینیم. در نوع دوم، نوعی پرش به جلو نسبت به زمان تقویمی صورت می‌گیرد. واقعه‌ای که هنوز رخ نداده است، نقل می‌شود و در نوع سوم روایت با رخدادها هم‌زمان بیان می‌شود و ژنت با بحث نظم نشان می‌دهد که چگونه نویسنده با ایجاد دگرگونی در نظم خطی روایت، می‌تواند آن را جذاب‌تر کند. ۲- تداوم/ استمرار زمانی: نسبت بین زمان متن و حجم متن که در تعیین ضرباهنگ و شتاب داستان کاربرد دارد. بدین صورت که اگر نسبت بین زمان متن و حجم اختصاص داده‌شده به آن ثابت باشد، داستان با شتابی ثابت پیش می‌رود. تداوم نشان می‌دهد که کدام رخداد یا کارکردهای داستان را شتاب مثبت می‌دهد. ۳- بسامد/ تکرار: ژنت برای تشریح رابطه بین دفعات تکرار یک رخداد در جهان داستان و دفعاتی که آن، روایت می‌شود، از تکرار استفاده کرد که انواع مختلفی دارد. اگر بسامد به صورت یک‌بار نقل کردن چیزی باشد که یک‌بار اتفاق افتاده است، بسامد مفرد نامید می‌شود. اگر رخدادی که تنها یک‌بار حادث شده است بارها روایت شود؛ بسامد مکرر است و اگر حوادثی که به دفعات تکرار می‌شوند، تنها یک‌بار روایت شوند با بسامد بازگو یا به تعبیر ژنت «دوبار گویی» مواجه هستیم (فلکی، ۱۳۸۲: ۸۱).

در دنیای هنر و مخصوصاً هنر نگارگری نیز اهمیت بُعد زمان مطرح است. از نظر فیلسوفان، حرکت مولد ایجاد دو عنصر زمان و مکان است. ریشه و شالوده اولیه نگاه به زمان و مکان در هنر ایران باستان و هنر ایران اسلامی، یکسان بوده است. عرفای اسلامی اعتقاد دارند که عوالم وجود به ترتیب به سه دسته کلی «محسوس، مثالی و معقول» تقسیم می‌شود. عالم مثال به این جهت که بین دو عالم مجرد (معقول) و مادی (محسوس) قرار دارد، دارای هر دو خواص مادی (از جهت قابل‌رؤیت بودن) و غیرمادی (از جهت غیرقابل لمس بودن) است. فضای نگارگری ایرانی، فضای عالم مثال است.

در مورد پیشینه پژوهش، می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد: «بهنام فر و همکاران، ۱۳۹۳» با بررسی زمانمندی روایت در رمان «سال‌مرگی» نشان می‌دهند از میان مؤلفه‌های روایت زمانمند بودن آن در این رمان چشمگیرتر است. مبارکی، ۱۳۹۲ با بررسی شکست زمان و نابهنگامی در رمان ارمیانشان می‌دهد که نویسنده از تمام ظرفیت‌های ادبی روایتی عنصر زمان در این رمان بهره برده است. نگارنده در پی دستیابی به این سؤال است که زمان بر پایه نظریه ژرار ژنت در نگارگری ایرانی، رمان سال‌های ابری و اسفار کاتبان چگونه ترسیم شده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به این مسئله پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در سال‌های ابری و اسفار کاتبان، نویسندگان توالی خطی زمانی را برای بنای پی‌رنگ، برهم می‌زنند و با شکست زمان کنونی، درصدد تغییر زمان تقویمی به زمان روایی برمی‌آیند. درویشیان و خسروی از فن‌های روایت گذشته‌نگر و آینده‌نگر در راستای ایجاد خلأ و تعلیق در داستان و هم‌زمان گره‌گشایی به‌واسطه همین ناپهنگامی‌ها بهره می‌جویند. در مواردی برای انتقال سریع پیام خود از شتاب مثبت با حذف برش زیادی از زمان رخداد، استفاده می‌کنند؛ گاهی نیز شتاب ثابت و مثبت را به‌کار می‌برند؛ اما به‌طور کلی دو رمان به نسبت حجم اختصاص یافته متن در مقابل زمان رخداد، شتاب منفی دارند. از بسامد مکرر جز در موارد اندکی در رمان‌ها استفاده نشده است و در مقابل از بسامد مفرد و بازگو فراوان استفاده شده است. می‌توان گفت بسامد مکرر در این رمان‌ها تکرار معنی‌دار وقایع از سوی نویسنده است.

در رمان اسفار کاتبان و سال‌های ابری، گذشته‌نگری یا فلاش‌بک بیرونی بیشتر از فلش‌بک درونی است؛ گذشته‌نگر از آن جهت که اطلاعات پیش‌زمینه‌ای داستان‌ها را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و آینده‌نگر از آن جهت که آینده نامعلوم را پیش‌بینی می‌کنند و مخاطب را در حس تعلیق قرار می‌دهند... در اسفار کاتبان، نویسنده از شیوه روایت در روایت یا گذشته‌نگر برای پیچیدگی بیشتر روایت‌ها سود می‌برد که ذهن مخاطب را درگیر می‌کند. البته گاهی هم از آن برای پر کردن خلأهای داستان بهره می‌برد. تداوم در رمان مهر و موم‌های ابری شتاب مثبت و شتاب منفی است و در رمان اسفار کاتبان نیز شتاب مثبت و شتاب منفی وجود دارد.

رمان سال‌های ابری به لحاظ تداوم زمانی دوره بلندی از زندگی شخصیت را دربرمی‌گیرد. زمان آن دارای شتاب منفی است. چون زمان داستان با توصیف‌ها و جزئیات نگه‌داشته می‌شود که سبب پیشی گرفتن زمان داستان از زمان روایت می‌شود. هر دو نویسنده، با کم و زیاد کردن سرعت روایت (تداوم) یعنی با استفاده از حذف، چکیده و صحنه‌نمایی و درنگ توصیفی و گاه با ترکیب آن‌ها میزان اهمیت رخداد‌های داستان را نشان می‌دهند. برش‌های زیادی از زمان به دلیل مکث‌های توصیفی دارای ضرباهنگی کند هستند که باعث گسترش متن داستان شده است. نویسندگان مذکور، از سه قسم بسامد نظریه ژنت، استفاده کرده‌اند که بسامد مفرد در سال‌های ابری بیشتر از بسامد مکرر و بسامد بازگو است. در این میان، سهم بسامد بازگو در اسفار کاتبان بیشتر است. در سال‌های ابری ذکر مکرر حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده با گذشته‌نگری‌های پیوسته به‌عنوان بسامد مکرر، تأکید هدف‌دار و انگیزه نویسنده در بازنمایی بعضی حوادث و ایجاد تعلیق در داستان است. در اسفار کاتبان، بسامد مکرر براساس گذشته‌نگری و آینده‌نگری‌های پیوسته‌ای است که راوی و شخصیت‌های داستان بیان می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در نگارگری ایرانی نیز زمان‌پریشی، عبور از زمان و کاربرد عالم مثال و صورخیال به چشم می‌خورد و از این نظر با زمان در رمان‌های فوق شباهت وجود دارد.

منابع و مآخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۸۴). ساختار و تأویل متن. چاپ هفتم، تهران: مرکز.
- استم، رابرت؛ بوگوارین، من، سی. (۱۳۷۷). «روایت فیلم‌شناسی». روایت و ضد روایت. ترجمه: فتاح محمدی، تهران: بنیاد سینمای فارابی.
- اسلین، مارتین. (۱۳۸۲). دنیای درام. ترجمه: محمد شهباء، چاپ دوم، تهران: هرم.
- آلوت، میریام. (۱۳۸۰). رمان به روایت رمان‌نویسان. ترجمه: دکتر علی محمد حق‌شناس، چاپ دوم، تهران: مرکز.

- بهنام‌فر، محمد؛ شامیان ساروکلاهی؛ اکبر و طلایی، زینب. (۱۳۹۳). «بررسی زمانمندی روایت در رمان سال‌مرگی براساس نظریه ژرار ژنت». متن پژوهش ادبی، شماره ۶۰، ۱۴۴-۱۲۵.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۸۲). بوطیقای ساختارگرا. ترجمه: محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی. ترجمه: سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- جاهد جاه، عباس؛ رضایی، لیلا. (۱۳۹۰). «بررسی تداوم زمان روایت در حکایت‌های فرعی کلپله و دمنه». مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، شماره ۳، ۴۸-۲۷.
- خسروی، ابوتراب. (۱۳۸۳). اسفار کاتبان. تهران: نشر قصه. چاپ چهارم، انتشارات آگاه.
- درویشیان، علی اشرف. (۱۳۹۰). سال‌های ابری. چاپ هشتم، تهران: نشر چشمه.
- ریمون کنان، شلیموث. (۱۳۸۷). روایت داستانی، بوطیقای معاصر. ترجمه: ابوالفضل حری، تهران، نیلوفر.
- ژنت، ژرار. (۱۳۸۸). «نظم در روایت» گزیده مقالات روایت، مارتین مک کوئیلان. ترجمه: فتح محمدی، تهران: مینوی خرد.
- کشاورز، گلنار؛ گودرزی، مصطفی. (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم زمان و مکان در نگارگری ایرانی». فصلنامه هنرهای زیبا. شماره ۳۱، ۱۰۰-۸۹.
- کوچکیان، طاهره؛ قربانی، خاور. (۱۳۸۹). «بازتاب اجتماع و رئالیسم سوسیالیستی در سال‌های ابری، اثر علی اشرف درویشیان». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۲۲۰، ۱.
- فلکی، محمود. (۱۳۸۲). روایت داستان: تئوری‌های پایه‌ای داستان‌نویسی. تهران: بازتاب.
- لوته، یاکوب. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما. ترجمه: امید نیک فرجام، تهران: مینوی خرد.
- مبارکی، سهیلا؛ رشیدآبادی، زکیه. (۱۳۹۲). «بررسی شکست زمان و نابهنگامی در رمان ارمیا براساس دیدگاه ژنت». هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۱۵۳۳-۱۵۴۲.
- والاس. مارتین. (۱۳۸۲). نظریه‌های روایت. ترجمه: محمد شهبان. تهران: هرمس.